

فرصت دفاع مقتدرانه برای اقتصاد ایران



کارشناس سیاسی

اقتصاد ایران در دوره معاصر همواره از ناحیه ضعف قدرت دفاعی، گرفتار تحقیقاتی تحمیلی بوده‌است. در این زمینه، در نزدیک‌ترین تاریخ به برهه کنونی، قرار داد تر کمنجای(۱۸۲۸ میلادی) که پس از شکست در جنگ دوم با روس‌ها بر ایران تحمیل شد، یک نقطه عطف جدی است که اقتصاد ایران را در یک موقعیت تحمیلی در اقتصاد بین‌الملل قرار داد. در واقع، با تر کمنجای و ضمیمه تجاری آن، ایران به صورت تحمیلی در حاشیه یا پیرامون نظام تقسیم کار جهانی قرار گرفت. به‌دلیل همین نقیصه، مداخلات و فشارهای خارجی همواره از به بار نشستن تلاش‌های دولتمردان و اصلاح‌گران ایرانی برای پیشبرد اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جلوگیری می‌کرد. پیامدهای این موضوع هنوز دامن‌گیر اقتصاد ایران است و مردم به صورت ملموس در زندگی خود آنها را لمس می‌کنند مانند ضعف تولید، کسری تراز تجاری، تورم و در مجموع، اثر پذیری بالای اقتصاد ایران از فشارهای خارجی.

نکته مهم در این زمینه آن است که اکنون نیز که تقسیم کار دوم جهانی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفته و در حال بروز و ظهور جدی تر است، بازیگران نظام بین‌الملل، ی باز با حمله نظامی و در صورت امکان، شکست و تسلط بر ایران، می‌خواهندستد ایران را در یک موقعیت تحمیلی قرار دهند، بدین ترتیب که در این نظم نوین، باز ترتیبیانی را در اثر جنگ به ایران تحمیل کنند که امکان پویایی و توسعه اقتصادی را برای دهه‌های آینده از ایران سلب کنند، اما بر خلاف گذشته ایران اکنون از آستانه ضعف و وابستگی دفاعی عبور کرده و با اتکا به قدرت خود در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، با دفاع مقتدرانه، مانع این تحمیل شد.

بنابراین، پیروزی در جنگ اخیر علاوه بر اهمیت نظامی و سیاسی، ضامنی برای بالندگی اقتصاد ایران در نظم نوین بین‌المللی خواهد بود. ایران با پیروزی در جنگ اخیر ضمن ممانعت از تحمیل ترتیبات ساختاری بر اقتصاد خود همانند دو قرن اخیر، فرصت‌های نوینی را برای همکاری و افق‌گشایی در اقتصاد خود به دست آورده‌است، بدین ترتیب که در شرایط چرخش محور قدرت در نظام بین‌الملل از غرب به شرق نه تنها قدرت‌های بزرگ همانند دوره قاجار و پهلوی دیگر نمی‌توانند ایران را وجه‌المصالحه خود قرار دهند، بلکه با قدرت و اقتدار درون‌رایی که ایران از آن برخوردار است، به عنوان یک قدرت مستقل، قادر به برقراری تعاملات اقتصادی سازنده مبتنی بر مقتضیات، الزامات و نیازهای خود خواهد بود و در این میان، از تهدید هیچ قدرتی هم هراس ندارد. بر این پند این وضعیت می‌تواند منجر به جایایی مناسب ایران در نظم نوین بین‌المللی و تقسیم کار نوینی باشد که در ورای این نظم و به عنوان زیربنای آن، در حال تثبیت روزافزون است.

به تعبیر دقیق‌تر، با قدرت دفاعی درون‌زا و دفاع مقتدرانه‌ای که ایران در جنگ اخیر از خود نشان داد، بر خلاف تحولات حدود دو قرن اخیر(قبل از پیروزی انقلاب اسلامی)، دیگر ابزار نظامی به‌عنوان یک شمشیر داموکلس قادر به تنظیم کنش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست و اقتصاد در ایران نیست، یعنی با تهدید نظامی یا استفاده از ابزار نظامی هیچ قدرتی نمی‌تواند تحولات ایران را در مسیر موردنظر خود کانالیزه کند. ایران امروز به عنوان قدرتی که در دفاع و حفظ موجودیتش وابسته به هیچ قدرتی نیست، فرصت مناسبی برای جلوگیری از تحمیل خسارت و از سوی، شکوفایی اقتصادش در اختیار دارد. فرصت‌هایی که در دوره قاجار و پهلوی، به‌دلیل متعدد و به‌ویژه به‌دلیل ضعف دفاعی، به‌راحتی از ایران سلب می‌شد یا به‌واسطه ضعف دفاعی، خسارت‌هایی‌ناخواسته بر ایران تحمیل می‌شد مانند کشانده شدن دامنه‌های جنگ‌اول و دوم جهانی به ایران در شرایطی که دولت‌هایی وقت ایران در دو جنگ ایران و پهلوی، به‌دلیل کردند، اما در هر دو جنگ، ایران به اشغال متفقین درآمد و علاوه بر قحطی، ناامنی، کاهش سرمایه‌گذاری اقتصادی، کاهش شدید تولید، ضعف و نابودی دولت‌ها در هر دو برهه، بخش اعظم جمعیت کشور در جریان جنگ ایران و جهان و حضور متفقین بر سر میز، از بین رفت. با توجه به آنچه گفته شد، توانایی در دفاع مقتدرانه و مستقل اکنون به عنوان سدی که مانع از مداخله و تسلط بیگانگان بر اقتصاد ایران شده‌است، فرصت بزرگی را برای ایران فراهم کرده تا با رفع برخی از مهمترین چنگ‌های دولت‌های وقت ایران در دو جنگ ایران و پهلوی، به‌دلیل روی اقتصاد خود بگشاید. بنابراین، ضمن ارج نهادن به این توان و نیروهایی که این قدرت را برای کشور فراهم کردند، در مدیریت اقتصاد کشور، باید به فرصت‌هایی که از این ناحیه خلق شده‌است، به‌طور ویژه توجه گریسته شده و از آنها بهره‌برداری نمود. در این زمینه، به‌ویژه باید با خودداری از دوگانه‌سازی میان توانایی‌های دفاعی با توسعه اقتصادی و حل مشکلات کشور، توجه داشت که اتفاقا هر گونه تلاشی برای حل مشکلات کشور، لا‌جرم باید متکی به توانایی‌های دفاعی باشد.

خبر آخِر

قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه خبر داد
هلاکت ۶ تروریست در سیستان و بلوچستان

قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه جنوب شرق در اطلاعیه‌ای اعلام کرد شش تروریست در درگیری با نیروهای امنیتی در شمال سیستان و بلوچستان به هلاکت رسیدند و دو نفر نیز دستگیر شدند.

به گزارش ایرنا، قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه جنوب شرق روز گذشته با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد در ادامه اجرای رزمایش مقتدرانه سپاه در جنوب شرق، خانه‌های امن تروریست‌ها در شمال و جنوب سیستان و بلوچستان متلاشی شد و شش تروریست به هلاکت رسیدند.

در این اطلاعیه آمده است: رزمندگان قرارگاه قدس با مشارکت سایر دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی (سربازان گمنام امام زمان عجل الله موفقه به شناسایی و متلاشی کردن دو خانه امن تروریست‌ها در شمال و جنوب استان شدند. در این سلسله عملیات‌های جداگانه در استان شش تروریست آموزش دیده که قصد انجام عملیات‌های خرابکارانه و تروریستی را داشتند به هلاکت رسیده و تعدادی از آنها نیز دستگیر شدند. این اطلاعیه می‌افزاید: در عملیات‌ها و در پاکسازی خانه امن تروریست‌ها در چابهار، ۲۵ کیلو گرم مواد منفجره، بمب‌های آماده انفجار، چاشنی، ریموت، فیلحه انفجاری، بی‌سیم و دیگر تجهیزات نظامی و عملیاتی نیز کشف و ضبط شده‌است. در این اطلاعیه آمده است، همچنین در عملیات دیگری در شمال سیستان و بلوچستان، یک خانه امن تروریست‌ها شناسایی شد و مورد ضربه قرار گرفت که در این عملیات شش تروریست آموزش دیده مسلح به هلاکت رسیده و تعدادی تروریست دستگیر شدند.

در بخش پایانی این اطلاعیه ضمن تشکر از مردم فهیم و بصیر سیستان و بلوچستان ذکر شده است: تقاضا می‌شود شهروندان هر گونه اخبار و موارد مشکوک را از طریق سامانه‌های تلفنی ۰۱۲، ۰۱۲۰، ۱۱۰ و بازوهای فعال شده ستاد خبری سازمان اطلاعات سپاه در پیام ر سان‌های ایرانی اطلاع‌رسانی کنند.

جلسه هماهنگی و بررسی ابعاد مختلف و تبیین دستور کار سفر رسمی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به دو کشور ارمنستان و بلاروس، روز گذشته با حضور مسعود یزشکیان و وزرا و مدیران عالی‌رتبه دستگاه‌های اجرایی‌ذی‌ربط برگزار شد.

در این جلسه، ابعاد مختلف و سطوح گوناگون روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های ارمنستان و بلاروس موردبحث و بررسی همه‌جانبه قرار گرفت. ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل در حوزه‌های کلیدی از جمله انرژی، حمل و نقل، تجارت، سرمایه‌گذاری، بهداشت و درمان، محیط زیست، علوم، فرهنگ و

گزارش

هم‌صدایی دولت و مجلس در حمایت از نیروهای مسلح پس از نبرد ۱۲ روزه

رأی به امنیت پایدار با تقویت بنیه دفاعی



طرح دوفوریتی مجلس شورای اسلامی برای تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح که ۲۵ خرداد و تنها دو روز پس از حمله جنایتکارانه رژیم صهیونیستی با حمایت امریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران رقم خورد و در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به تصویب رسید، طی روزهای آینده برای تصویب نهایی به صحن علنی مجلس خواهد آمد.

پس از حمله بمباد ۲۳ خرداد رژیم صهیونیستی که به شهادت جمعی از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، دانشمندان هسته‌ای و مردم بی‌گناه کشور انجامید و شرارت‌های پس از آن که با پاسخ کوبنده نیروهای مسلح ادامه داشت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی را بر آن داشت تا راستای حمایت از حافظان کاین کشور، پشتیبانی از نیروهای مسلح را تقویت کنند.طرحی که بر اساس اعلام‌نمایدگان مجلس، در همسویی و همراهی کامل دولت با مجلس همراه بود.
پیشتر در ۸ آبان ۱۴۰۳، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در نشست خبری با خبرنگاران، در پاسخ به سؤالی در خصوص برنامه دولت برای تقویت بنیه دفاعی کشور گفته بود: «در ظرف بودجه باید به موضوعات متعدد و مختلفی پرداخته شود و مورد توجه قرار بگیرد. بخش‌های مختلف در بودجه سال ۱۴۰۴ دیده شده و ما در بودجه سال آینده (۱۴۰۴) افزایش ۲۰۰ درصدی بنیه دفاعی را نظر گرفتیم.»

پشتیبانی همه جانبه دولت و مجلس از نیروهای مسلح

ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، اما ۲۵ خرداد در توضیح نشست کمیسیون به خبرنگاران گفت: «بررسی حوادث اخیر و جنایات صهیونیست‌ها و پاسخ جمهوری اسلامی ایران در نشست مورد بحث و بررسی قرار گرفت و قاطبه اعضای کمیسیون از پاسخ قاطعانه و محکم نیروهای مسلح ارتش و سپاه به رژیم صهیونیستی قدرانی و تشکر کردند. در جلسه جزئیات مسرت‌بخش بخشی از پیروزی‌های ارز‌شمند و قاطع نیروهای

خبر

اسرائیلی‌ها بیشترین امکان پدافندی را داشتند، اما پاران موشک‌های ایران در نیمه جنگ، کاملاً آنها را مستأصل کرده بود.

علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در گفت‌وگویی با بیان این مطلب گفت: در مسائل امنیت ملی دو خط و دیدگاه مهم دنبال می‌شود؛یک نظریه این است که امریکا و اسرائیل امروز با صراحت می‌گویند که ما صاحب رازها در قدرت می‌خواهیم، این یعنی با باید تسلیم شویم یا باید بجنگیم و نتیجه این فکر به هم ریختن منطقه است. نمونه عملی آن راهم در سوریه می‌بینیم. نظریه دوم این است که می‌خواهیم به امنیت پایدار با مشارکت کشورها برسیم که در آن کشورها همه قدرتمند باشند و این

گردشگری به تفصیل تشریح شد و ضمن شناسایی فرصت‌ها، چالش‌ها و موانع پیش روی توسعه همکاری‌های فی‌مابین، راهکارهای مناسب برای رفع آنها نیز با دقت و توجهی ویژه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. یکی از موضوعات مهم و حساس مطرح شده در این نشست، توافق اخیر میان جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان درباره ایجاد راه‌گذر مواصلاتی بود که به دقت مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، ابعاد واقعی این توافق که برخلاف برخی انعکاس‌های رسانه‌ای است، تشریح و تبیین شد.

همچنین تعاملات مقامات ارمنستان با مسئولان

عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران در راستای تضمین رعایت ملاحظات و منافع ملی کشورمان در این زمینه، به عنوان نمونه‌ای از دیپلماسی فعال و سازنده کشورمان مورد اشاره قرار گرفت. علاوه بر این، اسناد همکاری و تفاهم‌نامه‌های مشترک در حوزه‌های مختلف میان ایران با ارمنستان و بلاروس که در آستانه امضافار دارند، به دقت مورد واکاوی گرفت. قرار تازمینه عملیاتی شدن سریع‌تر آنها فراهم‌اید.

رییس‌جمهور در این جلسه، با دقت نظر و توجه ویژه به مسائل مطرح‌ه، خصوصاً در حوزه تعاملات تجاری و اقتصادی، بر اهتمام و اراده جدی جمهوری

اسلامی ایران در گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و تقویت پیوندهای دوستانه با کشورهای همسایه و همسور محور تعامل سازنده و منافع متقابل تأکید کرد.

پیش‌گامان همکاری با بلاروس و آذربایجان را به رسمیت هم شناخته بود، آمریکا یکی از بزرگ‌ترین ناوهای تاریخ تا آن‌زمان را به ایران زد، آن هم در شرایطی که نخست‌وزیر وقت دکتر محمد مصدق طی پیامی رسمی به آذربایور رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده در ۷ خرداد ۱۳۳۲، خواستار کمک مالی آن کشور به ایران برای پرداخت فرامت‌های ناشی از ملی شدن نفت شد.

مصدق گفت مصدق حتی به نوعی به آذربایور فهماند که اگر من سقوط نفت کشور، به دامن کمونیست‌ها خواهد افتاد. آذربایور هم در جواب تلویحاً نوشت که بروید با انگلستان بر سر نفت توافق و او را شریک کنید و مشکلات اقتصادی خود را به همین ترتیب حل کنید!

نتیجه چه شد؟ کار به همین جا ختم شد؟ خیر! رئیس‌جمهور آمریکا به‌جای اینکه از خطر کمونیسم و افتادن کشور به دست حزب توده بترسد، تصمیم گرفت با انگلیس بسازد و بنیاد دولت ملی مصدق را براندازد.

البته این اولین نامه مصدق به رئیس‌جمهور آمریکا نبود، او بارها چنین نامه‌هایی به سران آمریکا نوشته بود؛ نامه‌هایی که روزنامه‌های آن‌زمان آن را حقا‌رت‌بار توصیف کرده بودند. دو سال قبل هنگامی که آقای نخست‌وزیر برای پاسخگویی به شکایت انگلیس به شورای امنیت سازمان ملل متحد به نیویورک سفر کرد، در ضیافت ناهار رئیس‌جمهور آمریکا اظهار داشت: «ما سبب، چهارصد میلیون تومان کسر بودجه داریم؛ شما چگونه انتظار دارید ملتی با این کسر بودجه بتواند امنیت و نظامات را در کشور خود حفظ کند؟!» ترومن به درخواست مصدق بی‌اعتنایی کرد. مصدق در طول مدت اقامت در آمریکا، چندین بار دیگر در خواست کمک خود را مطرح کرد و هر بار با بی‌توجهی کامل مقامات

امریکا مواجه شد. مصدق از این همه تحقیر به خود نیامد و در اقدامی خف‌بار پیش از ترک امریکا در نامه‌ای به ترومن، درخواست وام را تکرار کرد و نوشت: «مقصود گرفتن هدیه و کمک بلاعوض نیست و هر کارگشایی‌ای که بفرمایید، از اولین برداشت عایدات نفت ما استرداد خواهد شد.» مصدق هنگام تسلیم این نامه به هندرسون، سفیر ایالات متحده گفته بود: «اگر امریکا مایل باشد، ایران آماده و علاقه‌مند است در ازای کمک امریکا، تمام نفتی را که در حال حاضر موجود دارد، به ۵۰ درصد تخفیف به امریکا بفروشد.» اما امریکایی‌ها در پاسخ به درخواست مصدق، آنجا هم او را به غارت منابع کشورمان توسط انگلیس از جاع دادند!

مصدق نه حزب‌اللهی بود نه انقلابی، نه وابسته به حزب توده و بلوک شرق و شوروی، نه فدر قاطر حکومت اسلامی. از همه این نامه‌ها و درخواست‌های بعضاً دلیانه هم به دست می‌آید که او نه تنها ضدامریکایی نبوده بلکه امریکا را در چهره یک منچی ایران، بخصوص در آن شرایط سیاسی اقتصادی سخت می‌دیده‌است. اما امریکا با او و با درخواست‌های او چه کرد؟

این اتفاق یک بار دیگر در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی هم افتاد با نتایجی به‌مراتب تحقیرآمیزتر. آن‌زمان نیز کشور با کسر بودجه و تورم بی‌سابقه و بدهی‌های خارجی فراوان مواجه بود. تلاش برای اوسطه‌گری ایران برای آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان، ۶۰ میلیارد دلار آن در خزانه کشور موجود بود. اما او با یک پیشنهاد وسوسه‌کننده از سوی امریکا مواجه شد: آزادی پول‌های بلو‌کشده در امریکا و آزادی گروگان‌های ایرانی در اسرائیل در قبال هاشمی برای اوسطه‌گری ایران برای آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان. هاشمی این پیشنهاد را با شادمانی پذیرفت و پس از آزادی اولین گروگان زند، منتظر عمل به وعده امریکا ماند، اما امریکا اعلام کرد: عمل به وعده پس از ناوشتنه خود عمل کرده و زمان عمل به وعده امریکا بود. نماینده سازمان ملل که واسطه امریکا و ایران بود به ایران آمد و یک‌راست به ریاست جمهوری رفت. هاشمی با اشتیاق وارد اتاق ملاقات شد اما جانی تاپیکو به رئیس‌جمهور ایران گفت: «کاخ سفید می‌گوید نمی‌تواند هیچ کاری برای ایران انجام دهد»!

حالا در این معامله امریکا به همه اهداف خود رسیده و هیچ کاری نکرده و ایران به همه تعهداتش عمل کرده و هیچ چیز گیرش نیامده‌است. این در حالی است که سخنگوی کاخ سفید در آغاز این معامله شیرین خطاب به ایران گفته بود: «حسن نیت، حسن نیت می‌آور!» اما واقعیت این بود که ایران حسن نیتی نداد و بار دیگر شدت از سوی امریکا تحقیر شد.

در دولت حسن روحانی هم او که سر صا اعلام کرده بود امریکا «کدخدای» جهان است و اگر با او ببندیم، همه را با خود همراه کرده‌ایم، اما به ماجرای برجام بار دیگر کشورمان از این سوراخ گزیده شد. آن هم در حالی که روحانی به تمام تعهدات اعلامی طرف ایرانی عمل کرد و حتی دولت او برای خود شیرینی تعهدات بیشتری را هم دواطلبانه انجام داد، اما به اعتراف صریح رئیس کل بانک مرکزی در آن دوره، دستاور در برجام برای کشورمان، «قریبا هیچ» بود و دولت امریکا یک پایسی هم کف دست رئیس‌جمهور ایران نگذاشت و پس از آنکه به همه اهداف خود رسید، از برجام خارج شد.

تاریخ امریکا و حداقل این هفت دهه اخیر روابط ایران و امریکا پر است از این در خواست‌ها، وعده‌ها، مذاکرات، تحقیرها و حتی شدیدترین حمله‌ها با بمب‌افکن‌های امثال بی ۲ در ست در وسط مذاکرات و دیپلماسی و گفت‌وگوهای مثلاً مسالمت‌آمیز.

برگردیم به همان حرف اول: تاریخ درس‌های بزرگی در دل دارد و کسانی که از این درس‌ها عبرت نگیرند، حتماً حقایق اسمی برانده آنها نیست.

خبر کوتاه

از حاشیه تا متن

تقی دژاکام روزنامه‌نگار

از حسن نیت و مذاکره تا تحقیر و کودتا

تاریخ درس‌های بزرگی در دل دارد و کسانی که از این درس‌ها عبرت نگیرند، جز احق اسمی براننده آنها نیست. ۷۲ سال پیش، در زمانی که ایران نه حکومت جمهوری اسلامی داشت و نه اسلام در ساختار حکومتی آن نقش آفرین بود و حتی چهار سال قبل از آن محمدرضا شاه، رژیم اسرائیل را به رسمیت هم شناخته بود، امریکا یکی از بزرگ‌ترین ناوهای تاریخ تا آن‌زمان را به ایران زد، آن هم در شرایطی که نخست‌وزیر وقت دکتر محمد مصدق طی پیامی رسمی به آذربایور رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده در ۷ خرداد ۱۳۳۲، خواستار کمک مالی آن کشور به ایران برای پرداخت فرامت‌های ناشی از ملی شدن نفت شد. مصدق حتی به نوعی به آذربایور فهماند که اگر من سقوط نفت کشور، به دامن کمونیست‌ها خواهد افتاد. آذربایور هم در جواب تلویحاً نوشت که بروید با انگلستان بر سر نفت توافق و او را شریک کنید و مشکلات اقتصادی خود را به همین ترتیب حل کنید!

نتیجه چه شد؟ کار به همین جا ختم شد؟ خیر! رئیس‌جمهور آمریکا به‌جای اینکه از خطر کمونیسم و افتادن کشور به دست حزب توده بترسد، تصمیم گرفت با انگلیس بسازد و بنیاد دولت ملی مصدق را براندازد.

البته این اولین نامه مصدق به رئیس‌جمهور آمریکا نبود، او بارها چنین نامه‌هایی به سران آمریکا نوشته بود؛ نامه‌هایی که روزنامه‌های آن‌زمان آن را حقا‌رت‌بار توصیف کرده بودند. دو سال قبل هنگامی که آقای نخست‌وزیر برای پاسخگویی به شکایت انگلیس به شورای امنیت سازمان ملل متحد به نیویورک سفر کرد، در ضیافت ناهار رئیس‌جمهور آمریکا اظهار داشت: «ما سبب، چهارصد میلیون تومان کسر بودجه داریم؛ شما چگونه انتظار دارید ملتی با این کسر بودجه بتواند امنیت و نظامات را در کشور خود حفظ کند؟!» ترومن به درخواست مصدق بی‌اعتنایی کرد. مصدق در طول مدت اقامت در امریکا، چندین بار دیگر در خواست کمک خود را مطرح کرد و هر بار با بی‌توجهی کامل مقامات

امریکا مواجه شد. مصدق از این همه تحقیر به خود نیامد و در اقدامی خف‌بار پیش از ترک امریکا در نامه‌ای به ترومن، درخواست وام را تکرار کرد و نوشت: «مقصود گرفتن هدیه و کمک بلاعوض نیست و هر کارگشایی‌ای که بفرمایید، از اولین برداشت عایدات نفت ما استرداد خواهد شد.»

مصدق هنگام تسلیم این نامه به هندرسون، سفیر ایالات متحده گفته بود: «اگر امریکا مایل باشد، ایران آماده و علاقه‌مند است در ازای کمک امریکا، تمام نفتی را که در حال حاضر موجود دارد، به ۵۰ درصد تخفیف به امریکا بفروشد.» اما امریکایی‌ها در پاسخ به درخواست مصدق، آنجا هم او را به غارت منابع کشورمان توسط انگلیس از جاع دادند!

مصدق نه حزب‌اللهی بود نه انقلابی، نه وابسته به حزب توده و بلوک شرق و شوروی، نه فدر قاطر حکومت اسلامی. از همه این نامه‌ها و درخواست‌های بعضاً دلیانه هم به دست می‌آید که او نه تنها ضدامریکایی نبوده بلکه امریکا را در چهره یک منچی ایران، بخصوص در آن شرایط سیاسی اقتصادی سخت می‌دیده‌است. اما امریکا با او و با درخواست‌های او چه کرد؟

این اتفاق یک بار دیگر در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی هم افتاد با نتایجی به‌مراتب تحقیرآمیزتر. آن‌زمان نیز کشور با کسر بودجه و تورم بی‌سابقه و بدهی‌های خارجی فراوان مواجه بود. تلاش برای اوسطه‌گری ایران برای آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان، ۶۰ میلیارد دلار آن در خزانه کشور موجود بود. اما او با یک پیشنهاد وسوسه‌کننده از سوی امریکا مواجه شد: آزادی پول‌های بلو‌کشده در امریکا و آزادی گروگان‌های ایرانی در اسرائیل در قبال هاشمی برای اوسطه‌گری ایران برای آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان. هاشمی این پیشنهاد را با شادمانی پذیرفت و پس از آزادی اولین گروگان زند، منتظر عمل به وعده امریکا ماند، اما امریکا اعلام کرد: عمل به وعده پس از ناوشتنه خود عمل کرده و زمان عمل به وعده امریکا بود. نماینده سازمان ملل که واسطه امریکا و ایران بود به ایران آمد و یک‌راست به ریاست جمهوری رفت. هاشمی با اشتیاق وارد اتاق ملاقات شد اما جانی تاپیکو به رئیس‌جمهور ایران گفت: «کاخ سفید می‌گوید نمی‌تواند هیچ کاری برای ایران انجام دهد»!

حالا در این معامله امریکا به همه اهداف خود رسیده و هیچ کاری نکرده و ایران به همه تعهداتش عمل کرده و هیچ چیز گیرش نیامده‌است. این در حالی است که سخنگوی کاخ سفید در آغاز این معامله شیرین خطاب به ایران گفته بود: «حسن نیت، حسن نیت می‌آور!» اما واقعیت این بود که ایران حسن نیتی نداد و بار دیگر شدت از سوی امریکا تحقیر شد. در دولت حسن روحانی هم او که سر صا اعلام کرده بود امریکا «کدخدای» جهان است و اگر با او ببندیم، همه را با خود همراه کرده‌ایم، اما به ماجرای برجام بار دیگر کشورمان از این سوراخ گزیده شد. آن هم در حالی که روحانی به تمام تعهدات اعلامی طرف ایرانی عمل کرد و حتی دولت او برای خود شیرینی تعهدات بیشتری را هم دواطلبانه انجام داد، اما به اعتراف صریح رئیس کل بانک مرکزی در آن دوره، دستاور در برجام برای کشورمان، «قریبا هیچ» بود و دولت امریکا یک پایسی هم کف دست رئیس‌جمهور ایران نگذاشت و پس از آنکه به همه اهداف خود رسید، از برجام خارج شد.

تاریخ امریکا و حداقل این هفت دهه اخیر روابط ایران و امریکا پر است از این در خواست‌ها، وعده‌ها، مذاکرات، تحقیرها و حتی شدیدترین حمله‌ها با بمب‌افکن‌های امثال بی ۲ در ست در وسط مذاکرات و دیپلماسی و گفت‌وگوهای مثلاً مسالمت‌آمیز.

برگردیم به همان حرف اول: تاریخ درس‌های بزرگی در دل دارد و کسانی که از این درس‌ها عبرت نگیرند، حتماً حقایق اسمی برانده آنها نیست.

خبر کوتاه

■ **تسنیم:** محمداقبر قلیبارف رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی به رئیس مجلس ملی جمهوری اسلامی پاکستان نسبت به جان باختن و آسیب دیدن شمار زیادی مردم این کشور در پی وقوع سیل ویرانگر اظهار همدردی کرد.
■ **ایرنا:** آرا شاور دیان نماینده ارمنه تهران و شمال ایران در مجلس شورای اسلامی و رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و ارمنستان با بیان اینکه مرز ارمنستان برای ما تاریخی و مهم است و این ارتباط با ارمنستان هیچ گاه نباید قطع شود، اظهار داشت: با هر گونه تغییرات ژئوپولیتیک و مرزها در منطقه مخالفیم.
■ **فارس:** بیانیهٔ اخیر چهلمه اصلاحات هم راستا با اهداف اسرائیل و عمل کنیم. ما عزیزان دفاعی را از دست دادیم، عمل ملت ایران چهره دیگری از خود نشان داد و در همین سفر برخی افراد می‌گفتند که ایران افتخار ماست، یعنی قدرت‌نمایی ایران را افتخار خودشان می‌دانستند.